

پیشنهاد کنت برای آوردن آب لار به تهران

چهار راه کنت را شاید اکثر مردم طهران بشناسند ولی قطعاً بسیاری از مردم پای تخت نمیدانند که این محل بمناسبت باغ مسکونی یکی از مستخدمین خارجی ایران به این نام نامیده شده است. این شخص بنا به امضائی به خط خودش «آنتوان کنت دومونت فرت» نام داشته است. وی تا آخر عمر در طهران بوده و فرزندان او هم مدت‌ها در طهران میزیسته‌اند. علت استخدام او ظاهراً میل ناصرالدین شاه به تأسیس اداره پلیس در طهران بود ولی در حقیقت و واقع فشاری که از ناحیه دو همسایه زورمند طمع کار شمالی و جنوبی بدولت ایران وارد میشد، همیشه زمامدار ایران را متوجه این امر می‌داشت که لااقل اگر برای خودش هم هست نیروی سومی را در ایران ذی نفع نماید و از اینرو گاه و بی‌گاه باین دولت و آن دولت علی‌الخصوص به دولت اطریش که در اروپا رقیب بزرگ روسیه بشمار میرفت متوسل می‌گشت و بصورت ظاهر بعنوان استخدام مشاور و در معنی برای یافتن تکیه‌گاه از آنان استمداد مینمود لیکن قدرت دو دولت همسایه رقیب و ضعیف ایران، و آماده نبودن مأمورین بزرگ دولت برای چشم پوشی از منافع شخصی، یا لااقل مقدم داشتن منافع عمومی بر منافع خصوصیشان، نمیگذاشت این تشبثات بجائی برسد.

یکی از کسانی که به این عنوان استخدام شد و به ایران آمد و در ایران مانده آنتوان کنت دومونت فرت، مذکور در فوق بود. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به اروپا از دولت اطریش و یا بهتر از پادشاه اطریش خواست که چند نفر صاحب منصب را برای تربیت سپاه ایران و تأسیس پلیس در اختیار او بگذارد پادشاه اطریش نیز این خواهش را پذیرفت. زیرا وسیله بسط و یا تأمین نفوذ او در ایران بود - و عده‌ای از افسران سپاه خود و منجمله کنت را به شاه ایران معرفی نمود.

کنت که در ایران بمناسبت شغل ریاست پلیس، نظم‌الملک لقب یافت بنا بمندرجات روزنامه شرف (شماره ۳۶ صفر ۱۳۰۳) اصلاً از نجیب‌زادگان فرانسه بود که خانواده او از ۱۲۳۵ به ایتالیا مهاجرت و در سیسیل اقامت نموده بود. وی در ۱۸۳۹ متولد شده و پس از فراغت از تحصیل با درجه افسری داخل گارد سلطنتی پادشاه ناپل و سیسیل شده و در سال ۱۸۶۰ با گاریبالدی و طرفداران او جنگیده و با پادشاه سیسیل در قلعه «کایتا» محصور گردیده بود و پس از پایان جنگ با توافق پادشاه برم آمده و داخل قشون پاپ گشته و بعد بواسطت پادشاه داخل در خدمت امپراطور اطریش و بعنوان افسر وارد قشون کشور اطریش شده و در جنگ‌های اطریش با دانمارک و پروس بدریافت نشان جنگی امتیاز یافته بود و در ۱۸۶۹ از خدمت نظامی استعفا داده بود که نامزد خدمت در ایران شد.

۱ - دانشمند محترم آقای عبدالحسین نوایی مقاله‌ای در شرح حال کنت و تأسیس شهربانی در شماره ۳۲ اطلاعات ماهانه مرقوم فرموده‌اند که مورد استفاده واقع شده است.

شرح فوق را در زمان حیات کنت و در دوره‌ای که ریاست پلیس را داشته است روزنامه دولتی انتشار داده است لیکن یکی از پسران او که مقیم ایتالیا بوده ضمن تحقیق مرحوم اقبال، شرح مزبور را بصورت زیر اصلاح کرده است که پدرش در ۱۸۵۰ متولد شده است و اصلاً از مردم ناپل بوده و ریاست قراولان مخصوص فردیناند دوم پادشاه دو سیسیل و جزیره سیسیل (ایتالیای جنوبی) را داشته است و پس از الحاق دو سیسیل به ایتالیا، پادشاه دو سیسیل یا ۲۰ نفر از صاحب منصبان وفادار خود که کنت نیز جزء آنها بوده به وینه مهاجرت نموده و خلاصه، در آن شهر بوده است که در سال ۱۸۷۸ امپراطور اطریش بخواهش ناصرالدین شاه يك هيئت نظامی به ایران فرستاد و کنت نیز جزء آن هیئت بوده است.

کنت ابتدا بسمت مستشار و بطور موقت بطهران آمد ولی ظاهراً کار او در ایران گرفت و ایرانشناسان و در ایران ماند. منزل اول او پشت مسجد سراج الملك (نزدیک سر تخت بر بریها) بود. این محل تا باغ لاله زار که امروز خیابانی تقریباً بجای آن و بنام آن است چندان مسافتی نداشت و هنوز آبادی طهران از حدود جنوبی لاله زار تجاوز نکرده بود، کنت در آن حوالی مقداری زمین خریداری کرد و باغ و خانه‌ای چند بنیان نهاد و از اینجاست که این محل بنام او به «چهار راه کنت» مشهور شده است.

جریان کار کنت در نظمیه داستان های مفصل دارد که از موضوع بحث ما خارج است همین قدر اشاره میشود که زندگی کنت در ایران نشیب و فراز زیاد داشته است، گاه در اوج اقتدار بوده است و گاه در حضيض ذلت. حریف او در مبارزات اداری، پسر شاه یعنی نایب السلطنه امیر کبیر کامران میرزا بوده که وزارت جنگ و حکومت طهران را داشت و ریاست پلیس را هم از ادارات تابعه خود می دانست. بهر حال کنت تا واقعه رژی رئیس پلیس بود و با يك حریف می جنگید که در آن قضیه که احساسات ضد اروپائی تحريك شد مخالف دیگری هم برای او پیدا شد یعنی علمای طهران و در رأس آنها حاج میرزا حسن آشتیانی رئیس العلمای طهران و پیشوای مخالفان رژی. شاه بخواهش حاجی که میگفت خارجیان را باید از کار برکنار کرد، کنت را از ریاست پلیس برداشت، ولی ظاهراً این امر از روی بی میلی بوده است زیرا اعتماد السلطنه مینویسد که «کنت در تاریخ سه شنبه ۳ جمادی الاخری ۱۳۰۹ از وزارت پلیس معزول شد (ص ۹۰۵) منصب جنرال آجودانی و رئیس تشریفات سفر آرا با هزار تومان اضافه مواجب بوی دادند...» ولی او به اعتماد السلطنه گفته بود: «نایب السلطنه محض عداوت مرا معزول کرد منم تلافی خواهم کرد.» (ص ۹۰۶) و از اینجا معلوم میشود که مخالفت علمای آرا هم به تحريك نایب السلطنه میدانسته است.

بهر صورت کنت دارای این مشاغل بود تا محمد علی شاه معزول شد و بهمین جهت است که افضل الملك مؤلف افضل التواریخ مینویسد: «... کنت دومو تنورت... که هنوز هم زنده است و نوکر دولت ایران است ولی امروز شغل و عملی ندارد جز آنکه بقلط مواجب گزارفی میبرد و وجودش مضمهر ثمری نیست...» کنت تا سال ۱۹۱۶ میلادی (۱۳۳۴ هجری قمری) زنده بود و تا آخر عمر از حقوق مستمری خود استفاده مینمود و پس از فوتش چون درجه امیرتومانانی داشت جنازه او را با تشریفات و احترامات رسمی نظامی تشییع و در گورستان دولاب نزد بستگان در گذشته اش دفن نمودند.

از کنت نامه‌ای بدون تاریخ در دست است که به حضور ناصرالدین شاه عرض و پیشنهاد آوردن آب لار و جاجرود به طهران شده است. احتمالاً تقدیم این پیشنهاد در دوره برکناری کنت از وزارت پلیس بوده است که هم کنت فراغتی داشته و هم در پی نشان دادن حسن خدمت و احیاناً جلب عوایدی بوده است و هم به وضع جغرافیائی اطراف طهران آشنا گردیده بوده است.

اصل عریضه هم که امضای کنت را دارد. اگر بنظر شاه رسیده باشد علامتی از رد و یا قبول در آن دیده نمی‌شود و همچنان که تقدیم شده عیناً از حضور بازگشته است و این امر بی سابقه هم نیست و نظیر آن است پیشنهاد تأسیس بانک از طرف مرحوم حاج محمد حسن امین‌الضرب که آن را در «تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران» میتوان دید.

بهر صورت، این سند فعلاً متعلق به جناب آقای حسنعلی غفاری معاون الدوله است که بنا به سیره مرضیه همیشگی خود با نهایت لطف و سعه صدر در اختیار این بنده گذارده و اجازه انتشار آن را داده‌اند و بنده نیز موقع را مغتنم شمرده صمیمانه و از صدق دل از معظم‌له سپاسگزاری مینمایم و چون این روزها صحبت از اتمام و آزمایش و گشایش سدلتیان است بی‌مناسبت نمی‌بینم که آن را بنظر خوانندگان محترم یغما برسانم.

تصدق خاک پای فلك فرسای اعلیحضرت اقدس همایونت شوم

چنانچه شفاهاً بمرض خاکپای مبارک رسانید این چاکر باعلیخان مهندس و معلم توپخانه در مدرسه مبارکه دارالفنون و سلیمان خان سرهنگ مهندس رودخانه جاجرود را برای بردن بطهران ملاحظه نمودیم. بعد در باب جاری کردن آب لار در مجری جاجرود ملاحظات دقیقه بعمل آوردیم تا دهااتی که الآن از آب جاجرود مشروب میشوند از آب لار مشروب کردند و عمل زرع و آبدای آنها مختل نماند.

بعد از ملاحظه رود جاجرود و تفحص بسیار مکشوف نمودیم که در رودخانه مزبور شش چشمه طبیعی دیگر هست که اگر در آنها کار کنیم از هر يك يك سنگ و نیم الی دو سنگ آب میتوانیم جاری نمود. از آنجا از راه افجه به کنار رودخانه لاررفته ملاحظات لازمه در خود رودخانه و اطراف آن بعمل آورده از میان رود بسر چشمه بستک رفتیم. پس از دقت زیاد معلوم و مکشوف گردید که این چشمه ایست دائمی و هیچوقت خشک نخواهد شد زیرا که منبع این چشمه در میان طبقه‌ای از طبقات کوه است و آب آن از مسافات بعیده و مواقع بسیار آمده مابین دو طبقه غیر قابل نفوذ مجتمع گردیده و ازین مجری جریان پیدا می‌کند پس اگر در این چشمه کار کنیم و در اعماق کوه داخل شده مجری را وسعت دهیم میتوان ده الی پانزده سنگ آب معتبر جاری کرد. این چشمه بستک بعینه شبیه است به آبخاری که در پانزده فرسخی شهر وین واقع است و اکنون بجای امپراطور معروف میباشد. خود این چاکر با جمع کثیری مأمور آوردن این آب شده بود، بعد از آنکه در آن کار کردیم قریب به بیست سنگ آب جاری شد و اکنون قریب به چهل و پنج سنگ آب از این چشمه بواسطه لوله آهن بشهر وین جاری است و اعلیحضرت امپراطور و دولت اطیش قریب هشتاد کروز تومان خرج آوردن این آب به وین کرده‌اند ولی آوردن آب لار و جاجرود باین درجه اشکال ندارد بلکه به آسانی میتوان بطهران آورد.

پس از ملاحظه چشمه‌های بستک بجانب رودلار رفته آن را بدقت رسیدگی نموده محقق و معلوم داشت که از رودلار در کمال خوبی میتوان سی و شش الی چهل سنگ آب برود جاجرود آورد و اگر تمام آن لازم نباشد که بسمت ورامین جاری گردد میتوان يك قسمت آن را برگردانده ضمیمه آب جاجرود کرد و بشهر آورد که اقلاً چهل پنجاه سنگ آب وارد جلگه طهران شده باشد. و در این صورت طهران رود کافی خواهد داشت زیرا آبی که از کوهستان شهرستانک و سایر جاها برودخانه لارجاری میشود وسیله اعتبار این آب و اطمینان بزرگی است برای این که بدانیم آب لار خشک نمی‌شود. آنگاه از دنباله آب مذکور بالا رفته از حوالی کوه شهرستانک و کنار رودلار آمده اطراف را رسیدگی نمودیم تا بگردنه لواسان و از آنجا با ملاحظات دقیقه معلوم و محقق داشت که میتوان این قطعه کوه را بقدر سه هزار ذرع سوراخ کرده بواسطه تونل آب لار را برودخانه لواسان داخل کرد. درین دره و رودخانه لواسان دقت‌های لازمه را بجا آورده تا کنار قریه لثیان که محل تقاطع رود لواسان برود جاجرود است همه را از میان رودخانه بطور تفحص آمده مکشوف داشتیم که سی و يك چشمه آب و دو چشمه فقط در امتداد این رودخانه واقع است که با یکدیگر جمع شده رودخانه کوچکی ترکیب میکند و از آنجا برود لواسان ریخته میشود. بر حسب دقت‌هایی که شده است از این سی و يك چشمه بعد از آنکه کار کنیم سی و يك سنگ آقلا آب تحصیل نموده بروی رودخانه جاجرود میتوان افزود.

از رود لار تا رود لواسان و از آنجا تا قریه لثیان و نقطه‌ای که باید آب لار به جاجرود ملحق شود و از آنجا تا نقطه‌ای که باید آب جاجرود بطرف طهران برگردانده شود همه را با دقت و بصیرت غور رسی کامل نموده علیهذا از روی جرأت عرض میکنم اشکالاتی که برای برگرداندن آب لار و جاجرود شنیده میشد موقع قبول ندارد و به آسانی میتوان جلگه طهران را صاحب چهل پنجاه سنگ آب نمود.

هر گاه اعلیحضرت اقدس ظل الله در باب آوردن جاجرود بشهر طهران بذل همت و تفضلی فرمایند مرحمت و انعام بزرگی است که باید عموم اهالی شهر و اطراف شهر در تقدیم شکر گزاری آن تصدق کردن جان و مال خود در خاک پای مبارک دریغ ندارند بعلاوه این علامت بزرگ و اسم بلند ابدالدهر از اعلیحضرت ظل الله پاینده خواهد ماند و اول وسیله و امید برای وصول باین مقصود عالی این است که اعلیحضرت اقدس ظل الله روحنا فداء توجه و امداد ماتریل و مرال (۱) خود را دریغ نخواهند فرمود و انشاء الله باقبال بی‌زوال ملوکانه این آب به اسهل وجهی در جلگه طهران جاری شده آنجا را بزودی رشک گلستان ارم خواهد نمود و جان اهل طهران را از تشنگی و بی‌آبی خلاص خواهند فرمود.

صورت مخارج لازمه این عمل

برای کار کردن در چشمه بستک و افزودن آب لار
برای باز کردن تونل از رودخانه لار تا پای کوه تقریباً
سه هزار ذرع. فی ذرعی پنج تومان.

۲۰۰۰ تومان

۱۵۰۰۰ تومان

برای ساختن تونل از این سمت کوه تا آن سمت دیگر که
سه رجه ساخته شود از گچ و آجر و آهک بوسمت سه ذرع و ارتفاع دو

ذرع سه هزار ذرع هرذرعى پانزده تومان.
 ازپای کوه لواسان الی رود جاجرود باید رودخانه لواسان
 ساخته شود طول آن نه هزار ذرع. فی ذرعى دو تومان.
 برای ساختن تونل ازگردنه که آب باید بطهران بیاید
 دوهزارذرع هرذرعى پانزده تومان .
 (۱) یعنی کمك مادی ومعنوی

برای ساختن نهري بمرض هفت ذرع و عمق چهارذرع ازدم
 تونل که آب وارد جلگه طهران می شود تادم دروازه چون باید
 این نهر بواسطه حفظ شهر ازصدمه سيل خیلی محکم باشد هرذرعى
 دو تومان، دوازده هزارذرع.

برای ساختن درآهنی که دم تونل گذاشته شود تادروقت سيل
 خود تونل و شهر را مانع از خرابی شود که از طرف جاجرود
 گذاشته خواهد شد .

۱۰۰۰

برای ساختن هفت رشته پل بروی رودخانه ای که بطهران
 می آید درکمال استحکام که هر يك صاحب دوازده ذرع طول و هفت
 ذرع عرض خواهد بود هر کدام صد تومان.

۷۰۰

برای ساختن فاصله ای که درمیان دو نقطه جریان آب لار به
 جاجرود و آوردن آب جاجرود بطهران میباشد تا يك قسمت از آب
 لار را برود جاجرود ملحق کرده بطهران بیاوریم.

۴۰۰۰

برای نهري که از بالای قریه رودك الی پای گردنه کوچک
 باید ساخت .

۱۲۰۰۰

۱۵۱۷۰۰

این مبلغ که جمع آن یکصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد تومان است مبلغی است که
 بدون کم و زیاد با کمال راستی و بصیرت بازدید شده هر گاه احدی اعم از فرنگی یا ایرانی
 حرفی در این فقره بزند این چاکر ثابت میکند که خلاف عرض مینماید و مقصودش خیانت
 است نه خدمت .

هر گاه يك دفعه پنجساز سنگ آب وارد شهر وحوالی آن بشود از روی واقع جمیع
 اهالی را احیاء فرموده اند و فواید زیاد درضمن آن مندرج است برای دولت و ملت . جمیع
 اراضی تهران خارجاً و داخلأ بعد از داشتن آب ، تماماً زراعت شده باغ و چمن و درختان
 وخیابانهای با شکوه پیدا خواهد کرد و چنانچه در شهر وینه بلحاظ نظر انور گذشته است
 این چاکر متعهد می شود از طرف راست دروازه دولت و خیابان و دروازه شمیران را الی
 سلطنت آباد يك قطعه چمن بسیار خوب ترتیب داده درختان وخیابانهای مختلفه در آن غرس
 کند و تمام آب رودخانه را ازوسط جاری دارد بهمان خوش وضعی و صفا که چمن پرار را
 دروینه ملاحظه فرموده اند و بعلاوه عمارات مبارک عشرت آباد و قصر قاجار و سلطنت آباد و

کارخانه باروت کوی وضرا بخانه تمام درمیان این چمن و کنار این رودخانه واقع خواهند شد بطوری که تمام این باغات با این چمن و خیابانهای آن در حکم یک باغ واحد خواهند بود و سمت دیگر شهر را تا دروازه حضرت عبدالعظیم و غیره تماماً از این آب قسمت داده اراضی خارج شهر که بواسطه بی آبی بی مصرف افتاده اند قیمت اصلی پیدا کرده مردم بمیل و رغبت آنها را خریده دهات و باغات و آبادیها خواهند نمود و قیمت آن اگر ذرعی ده شاهی هم باشد قریب به دو کروور خواهد شد. اراضی داخل شهر که مال دولت است و زیاده از پنج کروور ذرع بتخمین آمده همین که صاحب آب شدند از ذرعی دو هزار، الی پنج شش هزار قیمت آنها شده مردم بزودی آنها را خریده آباد میکنند و بدون تردید کمترین ازدو کروور تومان تنخواه آن نخواهد بود که عاید به دولت میشود.

با اعتقاد این چاکر همین قدر که مردم اطمینان از کار کردن برای آب داشتن چنین رودی پیدا کردند نمیگذارند یک سال بگذرد که تمام اراضی خارج و داخل شهر را که متعلق بدولت است نقد خواهند خرید و منفعتی ازین بزرگتر برای دولت نمیتواند تصور نمود.

خلاصه فواید آوردن آب چنین رودخانه در طهران در نظر انور مبارک یقیناً بقدری جلوه گر هست که محتاج بعرض این چاکر نباشد.

تصدق خاک پای مبارکت شوم اقل چیزی که علامت و اسباب اطمینان از پیشرفت این کار است اعتمادی است که باید اعلیحضرت ظل الله باین چاکر داشته باشند زیرا که خود را در چاکری و دولنخواهی حق نعمت شناسی طوری ثابت میدانم که بخاک پای مبارک قسم از اول مدت با سعادت سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی هنوز از میان جمیع فرنگیان چاکر اول کس و تنها چاکری است که بشخص اعلیحضرت شاهنشاهی راست گفته و صداقت داشته است و جان خود و اطفال خود را ضامن این قسم میدهم. باز در کمال جرأت عرض میکنم چاکر صادق ترین دولنخواه ترین کس است به اعلیحضرت همایونی باین دلیل که بی عرض ترین مردم است در خدمتگذاری و صرفه جوئی دولت. پس از آنکه این عرایض چاکر در خاک پای مبارک عزقبول یافت عرض و استدعا می کنم این نقشه را که بنظر مبارک میرساند از روی صرفه و دولنخواهی دانسته پسند فرمایند زیرا که در قبول این کار چهار مقصود عمده و نتیجه اصلی موجود است. اولاً موجب مزید شوکت و اقتدار و مایه ازدیاد شهرت اسم بلند مبارک در تمام دنیا خواهد شد.

ثانیاً از بروز این تفضل ملوکانه که خیر آن راجع به دوست هزار نفر مخلوق طهران و اطراف آن است و همه آنها را از عطش نجات میدهند امیدواری عموم مردم را مضاعف نموده در تشکر این فقره از بذل جان و مال دریغ نمیدارند و رعیت پروری از این بزرگتر تصور نتواند شد. ثالثاً چندین کروور زمین خارج و داخل شهر باین واسطه صاحب قیمت شده نفع کلی از آن عاید دولت خواهد گردید و چندین مقابل خرج این کار را بیرون خواهد آورد و بعلاوه آبادی زیاد که خواهد شد اسباب ازدیاد بیوات و باغات دیوانی شده و هم چنین همه قسم کارخانجات لازمه از قبیل کاغذسازی و قندسازی و شیشه گری و غیره بسهولت ایجاد خواهد شد و همین قدر که از آب دارالخلافه اطمینان برای مردم حاصل شد ارباب صنایع و کارخانجات خود آمده همه قسم کارخانجات راه خواهند انداخت.

خامساً باغات و عمارات بزرگ دولتی از قبیل عشرت آباد و قصر قاجار و سلطنت آباد و غیره در میان چمن و خیابانهای بزرگ و در کنار رودخانه اتفاق میافتد و واضح است تا بچه

درجه برشکوه و نظارت (کذا) و خصارت آنها خواهد افزود.

خلاصه بعد از آمدن چنین آبی بدارالخلافة طهران آن را در قلیل مدت چهار دفعه بزرگتر از حال شده رفته رفته از شهرهای معظم دنیا شمرده خواهد شد و پای تخت دولت ایران نیز نامی و مشهور آفاق خواهد گردید.

تصدق خاک پای مبارکت کردم از روی کمال غروری که بصدقت و خدمت و درستی خود دارم صراحة عرض میکنم اعلیحضرتا بهمت بلند و عزم ملوکانه‌ای که در وجود مبارک است ازین یکصد و پنجاه و یک هزار تومان بقول کنت دومنت فرت چشم ببوشید و بمصرفست (کذا) این نیت خیر و مقصود بزرگ برسانید زیرا که اولاً این مبلغ برای اعلیحضرت شاهنشاهی چندان عظمی ندارد. ثانیاً در صورت تصور منافع و خریداری که از این آب بعموم مردم و دولت ابد مدت میرسد، ملاحظه ضرر آن خیلی آسان خواهد نمود. از برای مواظبت و پبائیدن این کار خیلی ممکن است یک نفر ازانمای آستان مبارک را انتخاب فرمایند ولی هر گاه از روی حقیقت اگر اعلیحضرت همایونی اعتماد باین چاکر دارند او را بامانت و حق شناسی او واگذار فرموده. هیچ پاینده و مواظبی را لازم شمارند چاکر نیز برای تأمین وضمانت این کار سر خود و خون پنج نفر اولاد خود را میسپارم و استدعائی که دارد فقط اینست که کلمات غرض آمیز و فتنه انگیز مردم را در این موقع قبول نفرمائید (کذا) و مادام که خیانتی مشاهده نفرموده اند اغراض مردم را محل اعتنا شمارند.

باری اکنون راه هیچ اشکالی برای اقدام این کار باقی نیست و فقط صح (کذا) و امضای ملوکانه دادن اعلیحضرت شاهنشاه روحنفاده را در شروع بکار انتظار می کشد و بپسرای حالیه این کار تمام این مبلغ یکصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد تومان لازم نیست بلکه همین قدر پنجاه الی شصت هزار تومان نقد مرحمت شود که شروع بکار نماید عجاله کافی است بعد همین که مردم دیدند در شهر و حوالی آب خواهند داشت. اراضی خارج و داخل شهر را بزودی خریده پول خواهند داد و انجام عمل باسانی خواهد گردید چاکر جان نثار. امضاء
Antoine Comte de Monteforte

بشرحی که عرض شد، عریضه موجود بدون اظهار نظر شاه است و اگر همان باشد که به حضور تقدیم شده است احتمالاً شاه بعلمت نداشتن اطمینان باجرای طرح یادداشتن پول کافی آن را مورد توجه قرار نداده و همچنان بر گردانده است، و خوشبختانه اکنون میتوان با طرحها و نقشه‌های فعلی مقایسه و درباره آن دقیقاً قضاوت و مطالعه نمود.

*

در مقاله گذشته مربوط به دکتر کلوکه، دوسه اشتباه روی داده بود که متأسفانه یکی از بنده شرمنده بود و مایه شرمساری و عذرخواهی و آن تاریخ فوت دکتر بوده که باید ۱۲۷۲ باشد نه ۱۲۶۸ که سال دایر ساختن جلسه درس طب از طرف او بوده است. اسم مؤلف هلندی هم نتیجه هولت است که اشتباه چاپی در آن روی داده بود و بهمین صورت نام کتاب طبی معروف، شرح نفیسی است که به یاء ختم می شود.

مجله یغمما - از اشتباهات مطبعی - که این مقاله هم بی نصیب نخواهد ماند. شرمنده‌ایم مخصوصاً از محبوبی نجیب شریف دانشمند.